

چکیده

یکی از مسائل مهم مورد بحث در حقوق امروز، مسئولیت پزشک است که قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ نسبت به آن ساکت است؛ ولی در قانون مجازات اسلامی مقرراتی به آن اختصاص یافته است. در حقوق کیفری مسئولیت پزشک اصولاً مبتنی بر نظریه تقصیر است؛ یعنی پزشک هنگامی مسئول و مکلف به جبران خسارت وارده به بیمار شناخته می شود که تقصیر او به اثبات رسیده باشد. این راه حل علاوه بر هماهنگی با قواعد عمومی مسئولیت مدنی، با مصلحت بیمار و جامعه قابل توجیه است. با وجود این، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ظاهراً مسئولیت محض یا بدون تقصیر پزشک، به پیروی از قول گروهی از فقهای امامیه پذیرفته شده که قابل انتقاد به نظر می رسد. هر چند که قاعده یاد شده با پذیرش شرط برائت از ضمان (شرط عدم مسئولیت) تعدیل شده است. البته تحصیل برائت از ضمان، پزشک را از مسئولیت به طور کامل معاف نمی کند؛ زیرا در این فرض نیز با اثبات تقصیر، وی مسئول و مکلف به جبران خسارت خواهد بود. خوشبختانه قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در مرحله آزمایشی اجرایی قرار دارد از قاعده پیشین عدول کرده و مبنای تقصیر را در مسئولیت پزشک پذیرفته است؛ لیکن به نظر می رسد که مبنای مسئولیت در این قانون تقصیر مفروض است، نه تقصیر اثبات شده؛ بدین معنی که قانون پزشک را مسئول فرض می کند، مگر این که عدم تقصیر او به اثبات برسد. تحویل برائت از ضمان نیز در قانون جدید پیش بینی شده است که فایده آن جا به جایی بار دلیل است.

لذا در مبانی فقهی چند دسته نظرات به چشم می خورد. دسته ای که پزشک جاهل را مسئول و در صورت خطا حکم زندان را برای او فرض می کنند و دسته ای دیگر پزشک حاذق را به دو دسته مقصر و خطاکار تقسیم می کنند و در پزشک مقصر او را ضامن دانسته و در این رأس همه فقها متفق القولند و دسته ای دیگر که پزشک حاذق غیرمقصر (خطاکار) را نیز ضامن دانسته اند. در این نظر دو گروه قرار دارند. گروهی کثیر با تمسک به ادله فقهی مانند اجاره و ... پزشک را در هر صورت ضامن می دانند و گروهی دیگر مانند علامه حلی در صورت عدم تعدی و تفریط ضمانتی برای پزشک قائل نیستند. این تحقیق به مجموع این مباحث می پردازد.

واژگان کلیدی: پزشک، فقه امامیه، مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی، نظر فقهاء

